

به این دلیل که جلسات، جلسات تربیت مربی است من پیشنهاد میکنم هر جلسه به اقتضا، حدود نیم ساعت چنین بحثهایی را داشته باشیم. یکی از مسائلی را که با آن به صورت عملی درگیر هستید را مطرح کنید تا با یکدیگر در رابطه با آن تبادل نظر داشته باشیم و روش مشترکی را انتخاب کنیم تا جلساتمان از نظر روشی و محتوایی همگرایی بیشتری داشته باشد و به علاوه مباحث نظری را نیز ادامه خواهیم داد. من با توجه به آن بحثهای نظری میخواهم اصلی را بیان کنم که اگر آن را پذیرفتید نه در مورد موسیقی بلکه در تمامی زمینهها و جلسات باید به عنوان یک اصل حاکم در زمینه تعلیم و تربیت به آن توجه کنیم. در برخورد با پدیدههایی اینچنینی مانند موبایل و فیلمها به نظر شما اصل را بر ایجاد محدودیت و محرومیت بگذاریم یا اصل را بر ایجاد مصونیت بگذاریم و آنها را در مورد این پدیدهها مصون کنیم؟ کدام یک از این دو مورد موثرتر است؟ به نظر میرسد استراتژی ما در جلساتمان مصون سازی است و نه محرومیت آفرینی. راهبرد کلان و اصل برای ما این است که ما معلمیم. معلم باید شاگردان خود را از درون مصون کند. مصون سازی یعنی رساندن شاگردان به یک باور، به یک شناخت و معرفتی که در خلوت و جلوت، بدون اجبار بلکه آگاهانه و اختیاری به سمت این پدیدهها نروند. اگر موفق شدیم که برآیند کار تعلیم و تربیتی





ما به اینجا ختم شود بدان معنی است که یک مربی موفق بودهایم. اگر کار ما به اینجا ختم نشود در کار خود موفق نبودهایم. اصل این است ما شاگردان خود را به یک معرفت، بصیرت و شناختی برسانیم که آگاهانه و آزادانه و به صورت اختیاری به سمت پدیده‌های ضد اخلاقی و ضد دینی مانند نگاه نامحرم مانند وب گردی و غیره، نروند. این استراتژی جلسات است. یعنی اصل کار ما در موسسه مصون سازی است. ما یک نیروی انتظامی نیستیم که محدودیت بیافرینیم. این وظیفه ی نیروی انتظامی محدودیت آفرینی می باشد. اینها وظیفه دستگاہهای دیگر است و وظیفه ما به عنوان معلم نیست. حکومت، جامعه و خانواده باید این محدودیتها را اجرا کند. خانواده نباید اجازه دهد فرزند به راحتی در هر جایی برود. یکی از راههای آن این است که شما در جلساتتان به خانوادها بگویید که به طور مثال کامپیوتر را در جایی بگذارند که در دید دیگران هم باشد تا خلوت خصوصی برای فرزند ایجاد نشود. در جایی که عروسی مختلط است باید به خانواده آموزش داد تا فرزند خود را به آنجا نبرند. این محدودیت سازیها وظیفه خانواده است اما وظیفه ما به عنوان مربی و معلم چیز دیگری است. ما مربی هستیم که باید اصل را بر مصون سازی قرار دهیم. ما باید برای شاگردان محیط امن ایجاد کنیم که اگر بلوتوثی دارند، آن را به ما نشان دهند. باید برای آنها محیط



امن ایجاد کنیم نه یک محیط تقلبی و بسته که در حضور ما آهنگ گوش نکند ولی در خفا کار دیگری انجام دهد.

ما مسئول مصون سازی هستیم نه محدودیت آفرینی. محدودیت در خانواده وظیفه پدر و مادر است. وظیفه ما به عنوان معلم و مربی مصون سازی است بدین معنا که شاگرد باور کند این فعالیت اشتباه است و آزادانه و با اختیار از آن دوری کند. این مصون سازی الزاماتی دارد. یکی از الزامات این امر این است که شاگرد، به ما اطمینان کند. اگر ببیند که شما تلفن همراهش را از او میگیرید، آن را به شما نشان نمیدهد. باید برای او میدانی آزاد فراهم کنید که هر چه در درونش است به شما نشان دهد. به همین دلیل باید صبوری کنید که اگر وی خواست به زمین خورد، در جلوی چشمان شما زمین خورد تا بتوانید به وی کمک کنید. اجازه بدهید اشتباه کند، نه اینکه تشویق کنید ولی اگر اشتباه میکند در برابر شما اشتباه کند. مرحله اول در مصون سازی اطمینان پیدا کردن نسبت به شماست. نباید فضای امنیتی و وحشت ایجاد کنید تا در برابر شما پنهان کاری انجام دهد. پنهان کاری نتیجهش نفاق است، کاری که من و شما به عنوان مربی باید با آن مقابله کنیم. در محیطهای دینی یکی از بزرگترین مشکلات و چالشها، نفاق است که هنگامی که جو بیش از اندازه دینی میشود عدهای منافقانه رفتار میکنند. اگر جامعه به این مرحله برسد راه





حلی برای مقابله با آن وجود نخواهد داشت چراکه فرد این نوع زندگی را آگاهانه برگزیده است. بنابراین به این دلیل که مربی هستید باید اعتماد سازی کنید تا شاگردان خود را آن گونه که هستند به شما نشان دهند. زمانی که ما متوجه شدیم که مشکل خاصی در رفتارش وجود دارد چه برخوردی باید داشته باشیم؟ باید بدانیم که اینها رفتار ناهنجار شاگردان ماست. با این رفتار دو گونه میتوان برخورد نمود. اول اینکه جلوی این رفتار را بگیرید و با تنبیه و ارباب با آن مقابله کنید و یا اینکه بپذیرید که رفتار انسانها بر اساس باور آنها شکل میگیرد. باور اگر خطا و اشتباه بود این رفتار از آن بروز میکند. لذا دومین برخورد این است که گویا این رفتار را ندیده‌اید، بعد از آن به سراغ ریشه رفتارها بروید؛ تا گرایش و قلب شاگرد را اصلاح کنید؛ با همان روشی که در جلسات عمل میکنید که به او معرفت و دانش دینی میدهید، به وی علاقه و اشک به امام حسین علیه السلام میدهید. این روش شاید دیر به نتیجه برسد اما اگر کلامان نفوذ داشته باشد و خودمان با خلوص باشیم و به نتیجه برسیم، ماندنی است. بنابراین سخن دوم من این است که ما بجای اینکه به رفتار بیاندیشیم باید به باور فرد نگاه کنیم. اصطلاح تربیتی روش اول رفتار گرایان است که در حدود ۱۰۰ سال است که همه در دنیا بدین شکل زندگی کرده‌اند که تشویق و تنبیه برای تغییر رفتار به کار برده‌اند. روش دوم



که در حدود ۲۰ یا ۳۰ سال است که در دنیا مرسوم شده است به نام مکتب شناخت گرایان است. این تئوری در حال جهانی شدن است که خوشبختانه با اندیشه‌های دینی ما تطابق دارد. الاعمال بالنیات به معنای همین است. سعی کنید ثقل کارتان را بر این مطلب بگذارید.

نکته سوم این است چگونه این رفتار را تحمل کنیم؟ آیا باید بگذاریم که این رفتار تسری پیدا کند؟ اصل دیگر این است که اصلاح این رفتارها زمان بر است. کسی که چندین نوع موسیقی گوش می‌دهد به یکباره نمیتوان آن را قطع نمود باید مرحله به مرحله پیش برویم. باید از قرآن الگو بگیریم که از شراب در سه مرحله جلوگیری کرد. اکثر مردم شراب خوار بودند، منکری بود که در جامعه معروف بود. ابتدا می‌گوید لا تقربوا الصلاة و انتم سکرى، هنگام نماز خواند مست نباشید. گام دوم هم این بود یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَ مَرَحَلَةٌ سَوْمٌ كَمَا الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ است و آن را تحریم میکند. ما نیز اگر بخواهیم برای شخصی موسیقی را تحریم کنیم باید بدین صورت عمل نماییم. اگر در ابتدای کار بگویید که علامه طباطبایی حتی موسیقی اخبار را هم گوش نمیکرد مطمئن باشید که از این کار زده خواهد شد. این سخنان مربوط به علامه طباطبایی است نه برای دانش آموزان. مگر اینکه در یک موقعیت عرفانی





فقط یکبار به وی تلنگر بزنید. اینها به حاذق بودن مربی باز میگردند و برای آن باید تفکر نمود. باید از این مسائل عبور کرد و در مقابل آن صبر نمود، شاید بتوانید خود را به ناراحتی بزنید اما نه به آن شدتی که محیط امن وی خدشه دار شود. چراکه بیش از آن که باید متوجه ناراحتی شما بشود باید متوجه محبت شما به خود گردد. این محبت حتی شاید تا یک سال هم ایجاد نشود. در این مدت باید صبوری نمود. اصلترین کاری که در کوتاه مدت باید ایجاد کنید این است که با وی ارتباط عاطفی برقرار کنید که وی احساس کند یک مربی باسواد خوش فکر مودب دین دار در کنار خود دارد. اگر به این باور برسید شما برای وی الگو خواهید شد. این گونه به این پدیده‌های تلخ نگاه کنید.

چهارمین نکته هم این است که از عمومیت یافتن آن فعالیت جلوگیری کنید. اجازه ندهید که فضای جلسه شما تحت تاثیر این شخص و این کار غلط قرار گیرد. حتی در همان جلسه اول هم اجازه ندهید که رفتار غلط محیط جلسه شما را متاثر سازد. اجازه ندهید که آدم شیطون میدان دار جلسه گردد. فضای جلسه را به گونهای قرار دهید که شاگردان با اخلاقتان میدان دار شوند. شما باید فضایی ایجاد کنید که کسی که رفتار نامناسب دارد به صورت غیر مستقیم وارد مباحث شما گردد. مثلا فعالیتی انجام دهید و وی را نیز در آن دخیل کنید، بدین ترتیب مانع



رفتار غلط وی شده‌اید بدون آن که مستقیماً به آن رفتار پردازید. شنیده‌اید که شخصی نزد حضرت علی علیه السلام می‌آید و می‌گوید من فلان گناه را انجام داده‌ام. حضرت می‌گوید که اشتباه میکنی و از وی نمی‌پذیرند. تا چهار مرتبه حضرت از وی نمی‌پذیرند و در مرتبه چهارم وی را حد میزنند. نباید اجازه دهیم که قبح اعمال شاگردان در برابر خداوند شکسته شود. نباید اجازه بدهیم که حرمت و شخصیت وی در جمع خدشه دار شود. اصلیت‌ترین اصل تربیتی به نظر من باید حفظ کرامت انسانها باشد. یعنی باید شاگردانمان را بزرگ‌باداریم، حتی در اشتباهاتشان. تحقیقات نشان میدهد که اکثریت قریب به اتفاق بزهکاران و خطاکاران کسانی هستند که تحقیر شخصیت شده‌اند و حقارت دارند. تا زمانی که در جامعه و خانواده بزرگ هستند، آنقدر برای خود شخصیت قائل هستند که دست به هر گناهی نخواهند زد. ممکن است گناهی نیز انجام دهند اما آن گناه فردی است. از زیباییهای روش تربیتی امام این است که هنگام مواجهه امام با مردم از آنها تعریف مینمود و میفرمود شما از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برترید. این سخنان را به مردم کوچک و بازار میزدند. این به معنای بزرگ داشتن مردم است. من و شما نیز باید با شاگردان خود این گونه رفتار کنیم. البته باید در نظر داشته باشید که اجازه ندهید این رفتارها عمومیت پیدا کند.





کسی که قدرت رهبری در میان دیگران را دارد و توانایی تاثیر گذاری بر دیگران را دارد باید قدرت رهبریش را در مسیر درست قرار دهد. اما نباید وارد حیطه خصوصی او شوید.

به عنوان آخرین نکته هم این که موسیقی از مواردی است که به راحتی نمیتوان با آن مقابله نمود.

مقام معظم رهبری به صراحت فرموده‌اند که موسیقی که از صدا و سیما پخش میشود و یا از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز میگیرد ملاک مناسب بودن آن نیست.

در مکانی مانند تاکسی که هم شاگردان حضور دارند و هم مربیان و در آنجا موسیقی حرام گذاشته شده است تذکر مربی بسیار مناسب است چراکه این تذکر به شاگردان داده نمیشود و به صورت غیر مستقیم با این حرکت مقابله میشود. باید توجه داشته باشید که در حضور ما و شاگردان نباید حرامی صورت گیرد. با این عمل شجاعت امر به معروف و نهی از منکر را هم به آنها آموزش میدهید.

البته توجه داشته باشید که در این سنین نباید شاگردان را رو در روی خانواده قرار دهید. باید تغییر رفتاری در شاگردان ایجاد کنید تا خانواده متوجه این تغییر رفتار شوند. این احساس تغییر رفتار باعث استمرار حضور آنها در این جلسات میگردد.

